

## نمادهای تبلیغاتی معاویه در نبرد صفین

\* نبی سنجابی  
\* فریناز هوشیار  
\*\*\* ناصر جدیدی

### چکیده

نماد نشانه اندیشه، شی، مفهوم، چگونگی و جز این‌ها است و پدیده‌ای ملموس و قابل مشاهده که نماینده چیزی جز خودش بوده یا بر چیز دیگری جز خود دلالت دارد. تکرار نمادها و نشانه‌ها معنا و احساس هویت خاص فرهنگی و اجتماعی را تقویت می‌کنند. تبلیغات یکی از ابزارهای مهم فرهنگ‌سازی است که می‌تواند با استفاده از نمادها ارزش‌های جدیدی را خلق یا تقویت کند. معاویه با بهره‌گیری از نمادهای تبلیغاتی توانست نتیجه نبرد صفین را، که واقعه‌ای تأثیرگذار و نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود، به نفع خویش تغییر دهد. نتایج پژوهش حاضر که با رویکردی توصیفی - تحلیلی نمادهای تبلیغاتی معاویه در نبرد صفین را مورد بررسی قرار داده است نشان می‌دهد که معاویه از نمادهای تصویری مانند قرآن، پیراهن خونین عثمان و انگشت بریده همسر عثمان و نمادهای کلامی و گفتاری چون خون خواهی عثمان، متون مقدس (روایات و قرآن) و القاب برای مشروعیت دینی و سیاسی خویش بهره‌برداری کرد که نتیجه آن، ایجاد تفرقه در سپاه عراق، بروز حکمیت و پیروزی معاویه بود.

### واژگان کلیدی

نماد، تبلیغات، نبرد صفین، معاویه، علی علیه السلام.

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.  
nabisanjaby@gmail.com

\*\* استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).  
hooshyar-Farinaz@yahoo.com

\*\*\* استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران و مدرس دروس معارف اسلامی.  
jadidi\_naser@yahoo.com

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۳۱

### طرح مسئله

اهمیت نقش و جایگاه نمادها در زندگی اجتماعی بشر بدان علت است که نمادها از ابزار مهم تعامل اجتماعی می‌باشند. نمادها معمولاً به معنای نشانه یا کنش‌هایی هستند که قرار است براساس مجموعه هنجارها یا قراردادهای مشترکی، معنایی را به فردی دیگر انتقال دهند. از آنجا که نماد جایگزین چیز دیگری است حامل و ناقل معناست. نشانه عنصری اساسی در ارتباطات است. ابزارهای تعامل انسان نمادها و نشانه‌ها هستند، نشانه‌های زبانی حرف‌ها، واژه‌ها و غیرزبانی تصاویر، اشیاء و هر چیز دیگری که بتوان از آن معنایی استنباط کرد.<sup>۱</sup> از آنجا که نمادها قادر به تغییر ذهنیت و ایجاد باورهای جدید اجتماعی هستند و در ایجاد هویت فرهنگی و تقویت آن نقش مهمی ایفاء می‌کنند، لذا از آن به‌عنوان ابزار مهم تبلیغاتی استفاده می‌شود تا آنجا که می‌توان گفت تبلیغات سرشار از نمادهای مختلف است. آگاهی از نمادها، آثار و کاربردهای آن اشخاص را قادر می‌سازد تا جامعه و محیط پیرامون خویش را بهتر بشناسند و بر آن تاثیرگذاری بیشتری داشته باشند.

نبرد صفین به‌مثابه یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که امام علی علیه السلام در حکومت خویش با آن مواجه بودند از دیر باز موردتوجه تاریخ پژوهان قرار گرفته است. معاویه پس از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام و برکناری از ولایت شام، تلاش کرد تا با طرح خونخواهی عثمان، مشروعیت خلافت امام علیه السلام را به چالش کشیده و حکومت آن حضرت را تضعیف کند. سرانجام در سال ۳۶ هجری اندکی پس از واقعه جمل، حضرت علی علیه السلام با هدف مقابله با معاویه و طرفداران وی، که حاضر به پذیرش خلافت امام علیه السلام نبودند به سمت شام حرکت کردند درحالی که معاویه برای جنگ با آن حضرت، به همراه لشکریانش به سمت عراق در حرکت بود، سپاهیان دو طرف در منطقه صفین با یکدیگر مواجه شدند و نبرد صفین به وقوع پیوست. نبردی که معاویه به خوبی می‌دانست سرنوشت و آینده حکومتش بدان گره خورده است. از این‌رو تمام توان خویش را در جهت شکست امام به‌کار گرفت. وی که با آگاهی از عدم مشروعیت دینی و سیاسی خود و خاندانش تبلیغاتی گسترده با محوریت دفاع از مقدسات دینی مسلمانان آغاز نموده بود در طول جنگ با استفاده از اشیاء، افراد، اعمال و شخصیت‌هایی که نزد پیروان امام علیه السلام و مسلمانان مورد احترام بودند و به نوعی جنبه نمادین داشتند، موفق شد تا نتیجه نبرد را به سود خویش تغییر دهد و ذهنیت جدیدی را برای مسلمانان ایجاد نماید که زمینه‌ساز حاکمیت امویان شد.

پیرامون نبرد صفین تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است ولی تحقیقات پیرامون نمادهای تبلیغاتی استفاده شده در این نبرد محدود به چند اثر و مقاله کوتاه است. جerald هاوتینگ در بخش‌هایی

۱. ادگار و بیت، مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی، ص ۳۵.

از کتاب *امویان نخستین دودمان حکومت گر در اسلام (۶۶۱ - ۷۵۰ م)* به موضوع تبلیغات توجه کرده است. علیرضا عسگری در کتاب *سیاست تبلیغاتی معاویه در مقابل حضرت علی* و... و فهمیده فرهمندپور در رساله خود با عنوان *تحلیل نیم قرن سیاست های تبلیغاتی امویان در شام* سیاست های کلی امویان را مورد توجه قرار داده و بیشتر از بُعد تاریخ سیاسی، موضوع تبلیغات را تحلیل کرده اند. مرتضی عقیلی در مقاله ای کوتاه با عنوان *جنگ تبلیغاتی معاویه علیه امیرالمؤمنین* به طور مختصر و محدود تبلیغات معاویه علیه علی را مورد بررسی قرار داده است.<sup>۱</sup> محمد فولادی و مریم حسن پور در مقاله ای با عنوان *نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر؛ تحلیلی جامعه شناختی*،<sup>۲</sup> دکتر مجید استوار در مقاله ای با عنوان «بریدو و جامعه شناسی نمادها»<sup>۳</sup> و سیده سعیده میرصدری و منصور نصیری در مقاله ای با عنوان «نمادگرایی دینی از نگاه پل تیلیش با تکیه بر نظام الهیات - فلسفی وی»<sup>۴</sup> به موضوع نماد، نقش و کارکرد آن پرداخته اند.

### مفهوم شناسی

واژه «نماد»<sup>۵</sup> در لغت به معنای نشانه، دال، نمودگار و رمز است.<sup>۶</sup> نماد کلمه ای است که معنایی فراتر یا غیر از لفظ خود را القا می کند و در لغت مظهر، علامت و نشانه (Sign) بیان شده است و هر چند کد و سمبل نیز برای آن به کار می رود،<sup>۷</sup> اما (نماد) فرآیند ذهنی دانسته شده که واقعیت خارجی را معرفی می کند<sup>۸</sup> و پدیده ای که جانشین یک پدیده غایب می شود. به عبارتی نماد نماینده چیز دیگری جز خودش می باشد یا بر چیز دیگری جز خود دلالت دارد.<sup>۹</sup> نماد می تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به طور طبیعی یا بر پایه قرارداد به چیزی اشاره می کند. شاید تنها نیرویی که بتوان با اطمینان آن را ویژه انسان دانست توانایی اندیشیدن انتزاعی و نمادپردازی باشد. اندیشه انتزاعی هنگامی شکل

۱. تحصیلی، «روش های جنگ تبلیغاتی معاویه علیه امیرالمؤمنین»، *ژرفا*، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.

۲. محمد فولادی و مریم حسن پور، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر؛ تحلیلی جامعه شناختی»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ششم، ش ۴، پاییز ۱۳۹۴.

۳. مجید استوار، «بریدو و جامعه شناسی نمادها»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال دهم، ش ۲۶، بهار ۱۳۹۳.

۴. سیده سعیده میرصدری و منصور نصیری، «نمادگرایی دینی از نگاه پل تیلیش با تکیه بر نظام الهیات - فلسفی وی»، *جستارهای فلسفه دینی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

5. Symbol.

۶. آریانپور، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، ج ۲، ص ۲۲۵۸.

۷. محسنیان راد، *ارتباط شناسی*، ص ۲۰۲.

۸. شعاری نژاد، *فرهنگ علوم رفتاری*، ص ۴۰۸.

۹. قلی زاده، *کلیات روان شناسی*، ج ۲، ص ۱۵۵.

می‌گیرد که به مفاهیم تجریدی (آنچه حس‌های پنج‌گانه از درکش ناتوانند) فکر می‌کنیم. انسان با رمزگذاری (نشانه‌گذاری)، اندیشه‌هایش را در قالب نمادهای کلامی یا شمایی، ثبت می‌کند و با رجوع مجدد به آنها راهی جهت قابل درک شدن مفاهیم و منظورها برای خود و دیگران یافته است.<sup>۱</sup>

نماد، نشانه عنصری اساسی در ارتباطات است. ابزارهای تعامل انسان نمادها و نشانه‌ها هستند. نشانه‌های زبانی حرف‌ها، واژه‌ها و غیرزبانی تصاویر، اشیاء و هر چیز دیگری که بتوان از آن معنایی استنباط کرد را در بر می‌گیرد. گاهی نشانه‌های ترسیمی «تصوری» هستند که شامل زبان، خط، کتابت، ایما، اشاره، رمز، نشانه و نماد می‌باشد.<sup>۲</sup> این نمادها فضای پیرامون، زندگی بشر را احاطه کرده و بدون فهم معنای این نمادها، تعامل و برقراری ارتباط با دنیای پیرامون امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۳</sup> در همین راستا نمادگرایی<sup>۴</sup> عبارت است از هنر به کارگیری نشانه‌ها، یا بیان موضوع نامرئی یا نامشهود، به وسیله نمایش موضوع مشهود و یا محسوس.<sup>۵</sup>

سه خصلت برای نماد ذکر شده است. اول مطلوبیت: بدین معنا که نماد بهترین و رساترین چیز برای تذکار و القای معنا و دلالت بر مدلول است. دوم جنبه عینی: دلالت لفظ بر معنای کلمه متداول آن است و سوم ایهام: بدین معنا که فهم کامل آن ناممکن یا دست کم سخت است. کارکرد نمادها در زندگی بشر، بیشتر مشارکتی، انسجام بخشی و بیانگر پابندی و تعلق افراد یک جامعه به یک ملت و فرهنگ خاص است. این نشانه‌ها به دلیل آنکه در زندگی روزمره تکرار می‌شوند، حس خاصی از معنا و هویت را تقویت می‌کنند.

درواقع نماد بیانگر طرز تفکر یا رفتار افراد و گروه‌ها است. از این رو ملت‌ها از نمادهایی نظیر قهرمان ملی، پرچم و علائم مذهبی برخوردارند و از آن به عنوان تمایز خود با دیگر ملت‌ها بهره می‌برند.<sup>۶</sup> به باور افرادی هم، تبلیغات در این عرصه فرآیندی برای افشاندن، کاشتن، جوانه زدن و پرورش باورها است.

از آنجا که در تبلیغات<sup>۷</sup> تاثیرگذاری و تسخیر افکار عمومی، برانگیختن عواطف و آماده کردن مردم

۱. طاهری، *نشانه‌شناسی کهن الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار*، ص ۱۴ - ۱۳.

۲. یاسابورو، *علائم تجاری و نمادها*، ص ۵.

۳. طاهری، *نشانه‌شناسی کهن الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار*، ص ۱۲.

4. Symbolism.

۵. فولادی و حسن‌پور، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر: تحلیل جامعه‌شناختی»، *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، پیاپی ۲۴، ص ۱۳۷.

۶. استوار، «بوردیو و جامعه‌شناسی نمادها»، *نشریه علوم سیاسی*، ش ۲۶، ص ۸.

7. Propaganda.

برای پذیرش عقاید معین به طرق غیرمستقیم مورد توجه قرار دارد،<sup>۱</sup> لذا نمادها کاربرد فراوانی در این عرصه دارند.<sup>۲</sup> برخی، تبلیغات را دستکاری و کشاندن افکار عمومی در جهت یک هدف و نظر خاص با به کارگیری وسایلی مانند زبان، خط، تصویر و غیره می‌دانند.<sup>۳</sup> عده‌ای دیگر تبلیغات را تلاش عمدی توسط افراد یا گروه‌ها با بهره‌گیری از وسایل ارتباطی برای کنترل، تغییر یا شکل دادن به نگرش دیگر گروه‌ها دانسته‌اند که با هدف کسب عکس‌العمل آنها در یک موقعیت ویژه صورت می‌گیرد.<sup>۴</sup> تبلیغات فرآیندی برای افشاندن، کاشتن، جوانه زدن و پرورش باورها است.<sup>۵</sup> این مفاهیم به خوبی بیانگر اهمیت و علت استفاده از نمادهای تبلیغاتی در عرصه‌های مختلف اجتماعی از جمله عرصه درگیری و جنگ می‌باشد و ابزاری کم‌اهمیت‌تر از سلاح‌های نظامی نیستند. اختلاف نمادهای تبلیغات با سلاح‌های نظامی در آن است که نمادهای تبلیغات در ذات خود نبودکننده ظاهری و عینی نیست اما جایگزین تاثیرگذاری برای کشتن و نوع غلبه ارتباطات برخشونت است.<sup>۶</sup>

### معاویه و نمادهای تبلیغاتی نبرد صفین

جنگ صفین در سال ۳۷ هجری میان علی علیه السلام و معاویه در منطقه صفین واقع در بلندی‌های شمال عراق و سرزمین شام؛ در غرب عراق بین رقه و بلس، رخ داد.<sup>۷</sup> پس از آن که علی علیه السلام، به دلیل رفتار و اقدامات معاویه، کارگزار شام، او را از مقامش عزل کرد، و معاویه این امر را نپذیرفت و همچنان ناحیه شام را تحت قلمرو خود نگه داشت و حاضر به بیعت با امام نشد، زمینه این نبرد فراهم شد.<sup>۸</sup> علی علیه السلام پس از نبرد جمل، جریر بن عبدالله را برای مذاکره و گرفتن بیعت از معاویه به شام فرستاد. اما معاویه باز تسلیم فرمان خلیفه وقت نگردید. بلکه به بهانه خونخواهی عثمان، سپاه شام را برای مقابله با علی علیه السلام آماده ساخت.<sup>۹</sup> امیرمؤمنان چون چاره‌ای ندید، آماده جنگ شد و با سپاهی

۱. کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۳۳۳.

۲. آقابخشی و دیگران، *فرهنگ علوم سیاسی*، ص ۳۴۵؛ حسینی دشتی، *معارف و معاریف*، ج ۳، ص ۴۷۲.

۳. کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۳۳۳.

۴. هالستی، *تبلیغات و نقش آن در سیاست خارجی، تبلیغات و جنگ روانی*، ص ۹۶.

5. Vaverka, *The power of the mass media*, P. 5.

۶. متولی، «اهمیت و جایگاه تبلیغات در منازعات عصر صفوی»، *تاریخ اسلام و ایران*، ش پیاپی ۸۶، ص ۱۴۱.

۷. نصر بن مزاحم، *پیکار صفین*، ص ۱.

۸. ثقفی کوفی، *الفارات*، ص ۹۷ - ۹۶.

۹. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۵۰۰.

عظیم از کوفه حرکت نمودند. به این ترتیب جنگ صفین پس از جنگ جمل درحالی که سپاه عراق هنوز از مرکب خویش پیاده نشده بودند رخ داد. دو سپاه عراق و شام در بیابان صفین با یکدیگر برخورد کردند. پس از چند زد و خورد میان دو سپاه، نبرد تا آغاز ماه محرم متوقف گردید. یک ماه میان دو سپاه گفتگو انجام شد اما هنگامی که گفتگوها بی نتیجه ماند، در ماه صفر دوباره جنگ از سر گرفته شد. به این ترتیب جنگ صفین بیش از سه ماه طول کشید که بیشتر آن به گفتگو میان دو سپاه سپری شد. به نوشته نصر بن مزاحم این نبرد در «سال ۳۷ هـ آغاز و به مدت یکصد و ده روز در نبردی سخت و مهلک ادامه یافت»<sup>۱</sup>.

چون سپاه عراق در آستانه پیروزی قرار گرفت، سپاه شام با نیرنگ عمرو بن عاص متوسل به قرآن بر سر نیزه کردن شد. به این ترتیب، جمع زیادی از سپاه عراق دست از جنگ کشیدند، سرانجام جنگ صفین با ماجرای حکمیت که به شکست سپاه امام علی انجامید، به پایان رسید.<sup>۲</sup>

معاویه برای جلب مسلمانان، تدارک سپاه و پیروزی بر علی علیه السلام از نماد استفاده کرده و زبان و صور نمادینی را به کار گرفت که می توانست در میان مردم نوعی مشارکت و همبستگی در برابر سپاه علی علیه السلام ایجاد کند. وی با تبلیغات به شیوه نمادپردازی، بهتر می توانست مفاهیمی را نشان دهد که به روش های دیگر قابل تعریف و درک نبودند و در راستای تحقق اهداف سیاسی خود گام بردارد.

یعنی با رسیدن خبر قتل عثمان و بیعت مردم با علی علیه السلام به شام، و آگاهی معاویه از فرمان امام علیه السلام مبتنی بر عزل او از ولایت شام، معاویه به چاره اندیشی پرداخت اما چون از طلقاء بود<sup>۳</sup> و از سوابق برخوردار نبود به صورت مناسب اهداف خود را پیگیری نماید. عبدالله بن عمر در پاسخ نامه معاویه پیرامون امر خلافت به این موضوع اشاره می کند: «شما را چه به خلافت؟ ای معاویه تو از طلقا هستی»<sup>۴</sup>. عمار یاسر نیز در جنگ صفین چنین می گوید: «آنان (بنی امیه) هیچ سابقه ای در اسلام ندارند که بدان جهت استحقاق اطاعت مردم و ولایت بر آنان را داشته باشند»<sup>۵</sup>. ضمن آنکه علی علیه السلام خلیفه مسلمین بارها اعلام می داشت، اینان (بنی امیه) تنها براساس مصلحت و نه از روی انتخاب اسلام آوردند.<sup>۶</sup>

۱. نصر بن مزاحم، *بیکار صفین*، ص ۱.

۲. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۶۳؛ ابن العبری، *مختصر تاریخ الدول*، ص ۱۴۴.

۳. معاویه بن ابی سفیان در روز فتح مکه، اسلام آورد. (طوقوش، *دولت امویان*، ص ۱۱؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۱۹۰)

۴. نصر بن مزاحم، *بیکار صفین*، ص ۹۵؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۱۱۹۰.

۵. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۵۲.

۶. دشتی، *ترجمه نهج البلاغه*، ص ۴۲۹.

پس معاویه با توسل به تبلیغات و استفاده از نمادهای تبلیغاتی تاثیرگذار بر مسلمانان، دست به تحریک احساسات و عواطف اعراب زد. این نمادها را می‌توان در چند دسته تقسیم نمود:

### ۱. نمادهای تصویری

نمادها محدود به حیطة نوشتار، کلام و گفتار نمی‌شوند بلکه تصاویر و اجسام مادی را هم در بر می‌گیرند. از طریق نمادها افراد به‌صورت ناخودآگاه از مضامین نهفته در آن برخوردار می‌شود. نشانه‌های نمادین در قالب تصویر در کوتاه‌ترین زمان پیام‌رسانی می‌کنند. این روش انتقال پیام از راه تصویر از قدیمی‌ترین ایام متداول بوده است. نمادهای تصویری که معاویه از آنها استفاده کرد اشیا و آثار بازمانده از عثمان بودند که تصاویری از قتل وی را ذهن مسلمانان زنده می‌کردند. مانند پیراهن خونین، ریش عثمان و انگشت بریده همسر عثمان، نائله بود.

### پیراهن خونین

بسیاری از اشیا می‌توانند در بردارنده مفاهیمی فراتر از خود و یادآور موضوعی تاریخی و مهم باشند، رنگ این اشیا نیز برانگیزاننده و تحریک‌کننده احساسات است. هر رنگ، دارای تمثیلی خاص و رابطه با یکی از احوالات درونی انسان دارد.<sup>۱</sup> رنگ سرخ توجه مردم را جلب می‌کند و از این قابلیت آن برای هشدار در مورد خطر یا موارد اضطراری و از طرفی برای جلب تماشاگر استفاده می‌شود. رنگ قرمز معنای دو پهلو دارد و با قدرت، نیرو، قتل و شکار در ارتباط است. درواقع از نظر مردم؛ رنگ قرمز هم به‌عنوان سمبل و نماد خوبی و هم بدی عمل می‌کند.<sup>۲</sup>

معاویه با نمایش پیراهن خونین، ریش کنده شده عثمان و انگشت بریده همسر وی به‌عنوان نمادها و سمبل‌های غیرکلامی، در انتظار مردم، واقعه قتل عثمان را زنده نگاه داشت و روایت را باز خوانی و احساسات مردم را تحریک می‌کرد. به نوشته طبری:

(نعمان بن) بشیر، پیراهن عثمان را که وقت کشته شدن به تن داشت بود و به خون وی رنگین شده بود را با انگشتان نائله همسر وی (عثمان) سوی شام برده بود و معاویه پیراهن را به منبر نهاد و خبر به ولایت‌ها نوشت و کسان سوی آن آمدند و سالی بگریستند.<sup>۳</sup>

۱. نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۵۶.

۲. موریس، مطالعات مردم‌شناختی دین، ص ۳۳۱.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۲۵۰۱ - ۲۵۰۰.

دینوری نیز به این امر اشاره دارد.<sup>۱</sup>

استفاده از این نمادهای تبلیغاتی از یک سو موجب اسطوره سازی از عثمان، به عنوان سمبل خلیفه‌ای مظلوم در سرزمین‌های اسلامی شد و از سوی دیگر اقدامات خلافت علی علیه السلام را به طور غیرمستقیم غیرمشروع و وجهه آن را به شدت مخدوش می‌نمود. زیرا استفاده از نماد پیراهن خونین عثمان این باور را در مردم ایجاد کرد که خلیفه سوم به دست علی علیه السلام یا تحریک او کشته شده و اینکه تمامی مسلمانان برخلافت علی علیه السلام اجماع نکرده‌اند. همین امر واکنش متفاوت مردم بر حسب دوری و نزدیکی آنان به مدینه به عنوان مرکز اسلامی و محل وقوع قتل عثمان به میزان و کیفیت اخباری که به گوششان می‌رسید، را در پی داشت. چنان که مردم شام چنان هیجان زده شدند که به نقل و تحلیل معاویه از حادثه اعتماد نموده و با معاویه پیمان بستند و<sup>۲</sup> سوگند خوردند که «پیش زنان نروند و آب برای غسل به تن نزنند تا قاتلان عثمان را با هر که به حمایت آنها برخیزند بکشند یا جان بر سر این کار نهند».<sup>۳</sup>

#### رایت و پرچم

پرچم شیئی نمادین و نماد مهم غیر کلامی در ایجاد همبستگی میان افراد جوامع به شمار می‌رود که کارکردی مشارکتی دارد. زیرا افراد با اعتقاد و اهداف مشترک زیر آن گرد می‌آیند و احساس همبستگی می‌کنند. آنگونه که جامعه شناسان معتقدند هویت افراد و جامعه در اشکال پرچم، سرود ملی و ... نمود می‌یابند.<sup>۴</sup> لذا پرچم به عنوان نمادی مهم در عرصه‌های مختلف اجتماعی به ویژه جنگ اهمیت بسیار دارد. رنگ پرچم نیز حائز اهمیت است چراکه رنگ‌ها در ذات خود قدرت جذابیت، همبستگی، انسجام بخشی و مرزبندی دارند که با درآمیختن با بار مفهومی دینی و تاریخی، قدرت آن افزایش می‌یابد.<sup>۵</sup>

رنگ پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله سیاه بود و ابوبکر در فتح شام درفش سیاه پیامبر صلی الله علیه و آله را در نزدیکی دمشق برافراشت.<sup>۶</sup> لذا رنگ سیاه پرچم نمادی از پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که همه مسلمانان در زیر آن گرد می‌آمدند. به همین دلیل معاویه در نبرد صفین، تکه پارچه سیاه رنگی که عمرو بن عاص بر سر نیزه‌ای کرده به عنوان پرچمی که رسول الله بر او بسته بود برافراشت و آن را به عنوان نمادی دینی به نمایش

۱. ابن قتیبه دینوری، *امامت و سیاست*، ص ۱۰۹.

۲. دینوری، *اخبار الطوال*، ص ۱۹۹ - ۱۹۸؛ مقدسی، *آفرینش و تاریخ*، ج ۲؛ ص ۸۸۰.

۳. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۰۱ - ۲۵۰۰.

۴. محسنیان‌راد، *ارتباط‌شناسی*، ص ۱۹۰؛ فولادی و حسن‌پور، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر»، *تحلیل*

*جامعه‌شناختی*، ص ۱۴۸ - ۱۴۷.

۵. موریس، *مطالعات مردم‌شناختی دین*، ص ۳۳۱.

۶. ابن اثیر، *تاریخ کامل*، ج ۸، ص ۱۴۷؛ بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۱۶۳.



گذاشت و عده‌ای را به اطراف آن گرد آورد. زیرا بنا به بیان برخی، این پرچمی است که پیامبر خدا برای او بسته است.<sup>۱</sup> پس شعار شامیان در نبرد صفین این بود: «ما بندگان شایسته و به حق خداوندیم، ای خونخواهان عثمان». <sup>۲</sup> به این طریق شامیان در نبرد صفین برخلاف سپاه متفرق علی علیه السلام با انسجام تمام در زیر پرچم سیاه اموی گرد آمده بودند و به این ترتیب بازشناسایی می‌شدند و مشروعیت دینی و سیاسی خویش را با تمسک به رایت برافراشته شده توسط عمرو بن عاص باز می‌جستند.

## ۲. نمادهای گفتاری و کلامی

گاه کلام، گفتار و واژه‌ها نماد و رساننده مفهوم و یاد آور حادثه‌ای مهم هستند. قرآن مقدس‌ترین متن دینی مسلمانان و شعائر بر گرفته از آن در زمره این نمادها هستند. احادیث و روایات همچنین القاب و شعارهایی که تکرار آنها می‌تواند احساسات عمومی را بر انگیزانند و مفاهیمی را القاء کنند که نگرش جامعه را تغییر دهد غالباً به‌عنوان نمادهای کلامی و گفتاری در تبلیغات به کار گرفته شوند.

### شعار مظلومیت و خونخواهی از خلیفه مقتول

طرح شعار مظلومیت عثمان، نمادی گفتاری - تاریخی<sup>۳</sup> بود که از سوی معاویه در قالب سخنرانی، خطابه، مویه، مرثیه‌گویی و نامه‌نگاری آن را تکرار می‌کرد و با تکرار، آن را به باور عمومی مسلمانان تبدیل نمود و عاملی برای ترغیب شامیان به انجام نبرد صفین در مقابل خلافت امام علی علیه السلام گردید. معاویه با برجسته‌سازی صفات و ویژگی‌های مثبت عثمان و تکرار آنها، و شعار بی‌گناهی، مظلومیت و خون به ناحق ریخته عثمان، چهره بی‌گناهی از عثمان ترسیم نمود. «ای مردم بصره شما از زندگی و روش عثمان آگاهی دارید، و می‌دانید که او همواره طرفدار حق و عدالت بود و با مردم با مسالمت رفتار می‌کرد، او مرزها را حفظ می‌کرد و حقوق مردم را می‌داد، از مظلومان دفاع می‌نمود و از ضعفا دلجوئی می‌کرد». <sup>۴</sup> وی با تصویر قتل مظلومانه عثمان با لبانی تشنه و روزه‌دار احساسات مردم را تحریک می‌کرد: «آنگاه که بر او شوریدند به او ظلم کردند و خونسش را ریختند. عثمان مردی مسلمان بود، درحالی‌که احرام بسته و روزه داشت، او را با لب تشنه کشتند». سپس خود را ولی خون خلیفه مظلوم خواند و مردم را به خون‌خواهی عثمان دعوت کرد.<sup>۵</sup> در نامه‌ای به عبدالله بن عمر می‌نویسد: «می‌دانی

۱. نصرین مزاحم، *پیکار صفین*، ص ۲۹۲ - ۲۹۱.

۲. همان، ص ۴۵۶ - ۴۵۵.

۳. نمادی که به رخداد و وقایع مهم تاریخی اشاره می‌نماید.

۴. ثقفی کوفی، *الفارات*، ص ۲۰۸ - ۲۰۷.

۵. همان، ص ۲۰۸ - ۲۰۷.

که عثمان را کشته‌اند به ظلم و من خون او طلب خواهیم کرد و خلافت بر تو مقرر خواهیم داشت»<sup>۱</sup>. وی سپس علی علیه السلام را مسئول مستقیم و محرک قتل خلیفه پیشین و پناه‌دهنده قاتلین او معرفی کرد.<sup>۲</sup> از سویی به اهل بصره نامه می‌نوشت و با ذکر نیکی‌ها و وضعیت عثمان، مردم را برای مخالفت و نبرد با علی علیه السلام تهییج می‌کرد و قتل عثمان را بهانه ای برای بیعت نکردن با علی علیه السلام و تسلیم نشدن به فرمان عزل خود عنوان نمود.<sup>۳</sup> معاویه با استفاده از نماد تبلیغاتی مظلومیت عثمان مردم را به خون‌خواهی وی دعوت و اعلام می‌داشت: «ای مسلمانان شما را به طلب خون او (عثمان) فرا می‌خوانیم و به جنگ قاتلینش دعوت می‌کنیم که همانا ما و شما بر سبیل هدایت هستیم».<sup>۴</sup> او با این اقدامات و وصف مظلومیت احساسات مسلمانان را به حمایت از خویش و مقابله با علی علیه السلام بر می‌انگیخت. تأکید معاویه بر نماد شعاری مظلومیت عثمان و قتل وی درحالی که بی‌پناه و بی‌یاور بود حالت روانی اندوه همراه با گناهکاری را در جامعه مسلمانان ایجاد می‌نمود و احساس پشیمانی را به آنان القا می‌کرد، چنان که شرحبیل از بزرگان حمص در شام بیان می‌دارد: «کشتن عثمان از جرم کسی که با معاویه بیعت کند بزرگ‌تر نیست. این بیعت یک بار افتاده است. و لیکن ما با او (معاویه) به‌عنوان خلیفه بیعت می‌کنیم، و خون عثمان را جز با همراهی خلیفه با کسی دیگر نمی‌جوییم».<sup>۵</sup> به این ترتیب شرحبیل و اشراف حمص با معاویه بیعت کردند.

معاویه آن‌چنان مسلمان را دچار پریشانی و آشوب فکری کرد که حتی مردمی که از نزدیک شاهد ماجرای قتل عثمان بودند و چه بسا خود در آن دست داشته و علی علیه السلام را با فشار به خلافت برگزیدند، در دام فریب معاویه افتادند و قصاص قاتلین او را بنا بر آیه شریفه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا».<sup>۶</sup> بر خود واجب می‌دانستند.<sup>۷</sup>

نماد متون مقدس (قرآن، روایات و احادیث)

نماد قرآن

قرآن، کتاب مقدس است که کلام آن سخن خداوند است که از طریق وحی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بر

۱. ابن‌عثم کوفی، *الفتوح*، ص ۴۸۲.

۲. ابن‌قتیبه دینوری، *امامت و سیاست*، ص ۱۰۹.

۳. ثقفی کوفی، *الغارات*، ص ۹۷ - ۹۶.

۴. همان، ص ۲۰۹.

۵. ابن‌قتیبه دینوری، *امامت و سیاست*، ص ۱۱۰ - ۱۰۹.

۶. اسراء / ۳۳.

۷. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۵۸۸؛ نصر بن مزاحم، *پیکار صفین*، ص ۵۳ - ۵۲.

مردم نازل شده است، از این رو در میان مسلمانان بیشترین تقدس و اهمیت را داشت. کلام مقدس، گونه‌ای تصویر به‌شمار می‌آید که زیبایی در آن ظاهر می‌شود. قرآن از نشانه‌ها و نمادهای بنیادین اسلام نزد مسلمان است که پذیرش و التزام به مطالب آن به‌عنوان کلام خداوند، نشانه بارز مسلمانی می‌باشد.<sup>۱</sup> مسلمانان از کتاب الهی بی‌چون و چرا اطاعت می‌نمایند.<sup>۲</sup> و این کتاب مقدس تأثیر عمیق و گسترده‌ای بر دیدگاه، ارتباطات، رفتار و مشارکت مسلمانان دارد.

قرآن مقدس‌ترین نماد کلامی و تصویری مسلمانان نبرد صفین در دل بخشی از سپاه ساده لوح تردید افکند و چون قرآن بر سر نیزه نمایان شد عراقیان به حکمیت رای دادند.<sup>۳</sup> نافرمانی و اختلافات در سپاه علی علیه السلام بروز کرد.

معاویه آنگاه که در صفین خود را در آستانه شکست دید با بر نیزه کردن قرآن شامیان را نجات و سپاه عراق را دچار اختلاف و تشکیک در فهم جبهه دوست و دشمن نمود. به نوشته یعقوبی:

اصحاب علی نبرد کردند و بر اصحاب معاویه سخت پیروز آمدند چنان‌که به معاویه رسیدند، پس معاویه اسب خود را خواست تا سوار بر او بگیرد. عمرو بن عاص باو گفت: کجا؟ گفت: می‌بینی چه پیش آمده اکنون نظرت چیست؟ گفت: جز یک چاره باقی نمانده است و آن این است که قرآن‌ها را بلند کنی و آنها را به آنچه در آن است بخوانی و به ترک جنگ دعوت کنی و تندی ایشان را در هم شکنی و ایشان را پراکنده و ناتوان‌سازی.<sup>۴</sup>

پس معاویه طیفی از مسلمانان که بر اجرای ظواهر دین پا فشاری می‌کردند را با نمایش نماد قرآن، هدف قرار داده و عواطف و احساسات آنان را برانگیخت. عمرو بن عاص به معاویه گفت:

مصحف‌ها را بالا می‌بریم و می‌گوییم آنچه در قرآن هست میان ما و شما حکم کند. اگر بعضی از آنها نپذیرند کس باشد که گوید بپذیریم و تفرقه در میانشان افتد و اگر گویند بله می‌پذیریم، این جنگ و کشتار تا مدتی از ما برداشته شود.<sup>۵</sup>

۱. هرچه یک دال بتواند مدلول خود را بیشتر به مخاطب تحمیل کند، رابطه دلالت قوی‌تر است. (کوثری، «نشانه‌شناسی رسانه‌های جمعی»، فصلنامه رسانه، ش پیاپی ۷۳، ص ۳۸) و قرآن به‌عنوان کلامی وحی که وظیفه ابلاغ آن بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نهاده شد سهل الوصول و صریح‌ترین نشانه ایمان و اسلام در نزد مسلمانان محسوب می‌گردد.

۲. استوار، *بوردیو و جامعه‌شناسی نمادها*، ص ۸.

۳. فرهمندپور، *تحلیل نیم قرن سیاست‌های تبلیغاتی امویان در شام*، ص ۹۳ - ۹۲.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۹۰ - ۸۹.

۵. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۵۶۳ - ۲۵۶۲.

چنان که در روز هریر (روز غوغایی صفین)، «یاران معاویه ندا برآوردند. چه کسی از زنان و فرزندان عرب مقابل روم و ترک و فارس حفاظت خواهد کرد و حکم قرار دادن قرآن، اختلاف میان افراد افکنده پس گروهی حکم بر جنگ داده و گروهی حکم به حکمیت»<sup>۱</sup>.

قرآن چنان نماد تبلیغاتی دینی قوی بود که علی علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین نیز نتوانست مانع تأثیر تبلیغاتی آن شود و هرچه فریاد برآورد: «این فریب کاری است و اینان اهل قرآن نیستند»<sup>۲</sup>. کسی توجه نکرد. تأثیر بصری قرآن مانع از هرگونه تفکر عمیق میان مسلمانان ظاهربین می شد. طبری از قول جندب ازدی می گوید:

علی گفت. بندگان خدا دشمن خویش را ادامه دهید که معاویه و عمرو بن عاص و ابن ابی معیط و حبیب بن مسلمه و ابن ابی سرح و ضحاک ابن قیس اهل دین و قرآن نیستند، من آنها را بهتر از شما می شناسم، از کودکی آنها را دیده ام در بزرگی نیز با آنها بوده ام، بدترین کودکان بوده اند و بدترین مردان، وای بر شما! اینان که قرآن را بالا برده اند نمی دانند در آن چیست و آنرا به خدعه و نفاق و مکر بالا برده اند.<sup>۳</sup>

در نبرد صفین قرآن برخلاف دوران پیامبر صلی الله علیه و آله که نماد وحدت بود و همه مسلمانان با تمسک به آن متحد می شدند، عامل تفرقه سپاه شد. اثر این تفرقه چنان بود که برخی از اهل عراق در صدد دستگیری علی علیه السلام برآمدند. اشعث (بن قیس کندی) گفت: «به خدا سوگند باید پیشنهاد ایشان را بپذیری یا تو را به آنان تسلیم می کنیم».<sup>۴</sup> ملاک آنان تنها قرآن بود و مخالفت علی علیه السلام با معاویه را دشمنی با خدا می دانستند چراکه قرآن ابزار و نمادی تبلیغاتی در دستان معاویه بود.

#### شعار دینی «لا حکم الا لله»

شعاری بر آمده از کلام خدا، شعاری مقدس و نمادی از ایمان به خدا بود که در کنار قرآن می توانست دل های مسلمانان را به لرزه اندازد. لذا آنگاه که در پی ترفند قرآن بر نیزه کردن جنگ صفین ناتمام ماند، معاویه اعلام داشت: «بیایید ما و شما به آنچه خدای عزوجل در کتاب خویش فرمان داده باز گردیم، شما یکی را که مورد رضایتان باشد می فرستید، ما نیز یکی را می فرستیم. از آنها تعهد می گیریم که به آنچه در کتاب خدا هست کار کنند و از آن تجاوز نکنند، آنگاه بر هرچه اتفاق کردند به همان

۱. نصر بن مزاحم، *بیکار صفین*، ص ۴۷۸ و ۶۵۸

۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۹۰.

۳. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۶۳ - ۲۵۶۲.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۹۰.

عمل می‌کنیم». کسان گفتند: «رضایت داریم و می‌پذیریم».<sup>۱</sup> گروهی از مسلمانان عمل نکردن به قرآن و عدم پذیرش دستورات آن را در حکم کفر می‌دانستند. مسعر بن فدکی تمیمی و زید بن حصین طایی سبسی با جماعتی از قاریان که هم‌هم‌دلشان بودند و پس از آن خارجی شدند، گفتند: «ای علی! اکنون که تو را به کتاب خدا عزوجل می‌خوانند بپذیر و گرنه ترا و کسانت را به آنها تسلیم می‌کنیم یا چنان می‌کنیم که با پسر عفان کردیم. ما مکلفیم به آنچه در قرآن هست عمل کنیم و آن را می‌پذیریم. به خدا اگر نپذیری با تو چنان می‌کنیم».<sup>۲</sup> و علی علیه السلام را بر این کار مجبور نمودند. اما در روند داوری و حکمیت ابوموسی فریب عمرو بن عاص را خورد و بر منبر، علی را خلع کرد. اما عمرو بن عاص گفت: چنان‌که این انگشترم در دستم ثابت است، معاویه را پایدار ساختم. این چنین حکمیت مورد استناد خلافت معاویه در نزد مردم قرار گرفت درحالی‌که ابوموسی اعلام نیرنگ کرد و مردم فریاد کردند: به خدا سوگند دو داور بجز آنچه در کتاب خدا است داوری کردند و شرط بر آن دو جز این بود. و حکمی جز برای خدا نیست «لا حکم الا لله».<sup>۳</sup> این امر در ماه رمضان سال ۳۸ هجری بود.<sup>۴</sup> این چنین طرح شعار قرآن موجب شد تا سپاه عراق متفرق شوند و از میان آنان فتنه خوارج سر بلند کند.<sup>۵</sup>

#### روایات و احادیث

در اسلام علاوه بر قرآن، روایات و احادیث که قول و کلام بزرگان دینی بودند، بعد از قرآن بیشترین اعتبار و احترام را داشتند. نقش کلامی، آموزشی و معانی نهفته در متون مقدس بر کسی پوشیده نیست. اما همین متون ارزشمند که نمادی از حقیقت و راستی بودند مورد سوء استفاده تبلیغاتی معاویه قرار گرفت. وی که از اهمیت روایات و احادیث نزد مسلمانان آگاه بود برای قبولاندن هرچه بیشتر مظلومیت و قداست عثمان، اقدام به جعل و رواج احادیث در منزلت و جایگاه وی نمود و در بیان دوری او از گمراهی و مهتدی بودن وی از پیامبر صلی الله علیه و آله برای شامیان روایات نقل می‌کرد: «در نیمروزی بسیار گرم ما با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که فرمودند: بی‌گمان فتنه‌ای پدید خواهد آمد» (همان دم) مردی پوشیده روی بگذشت و پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این پوشیده روی بدان روز بر راه هدایت باشد» گفت: من برخاستم و شانه‌های آن عابر را گرفتم و رویش را گشودم، او عثمان بود، رویش را به جانب پیامبر خدا کردم و

۱. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۶۶.

۲. همان، ص ۲۵۶۳ - ۲۵۶۲.

۳. شعاری دینی به‌عنوان ترسیم‌کننده خط مشی سیاسی و حکومت دینی.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۹۲.

۵. طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶ ص ۲۵۶۳؛ ابن‌العبری، *مختصر تاریخ الدول*، ص ۱۴۴.

گفتم که ای رسول الله این؟ گفت: «آری».<sup>۱</sup> اینکه، عثمان داماد پیامبر ﷺ،<sup>۲</sup> عثمان تجهیزکننده «جیش العسره» است.<sup>۳</sup> و در این راه سیصد شتر و هزار دینار به تجهیز این لشگر کمک کرد.<sup>۴</sup> یا عثمان کسی است که پیامبر اکرم ﷺ با زدن دست راست بر دست چپ با او بیعت کرد.<sup>۵</sup>

این تبلیغات و رواج احادیثی در فضل عثمان، محل تبلور مذهب عثمانی شد. پیروان این اعتقاد که در سلف اهل سنت «عثمانیه» نامیده می‌شدند در آن دوره برابر پیروان امام علی ﷺ یعنی شیعه قرار می‌گرفتند. یاران اموی براین باور بودند که خلیفه بعد از عثمان، معاویه است و برای القاء بیشتر این باور و مشروعیت دادن به آن، ادعای خویشاوندی معاویه با عثمان و معرفی او به‌عنوان «ولی دم» مطرح می‌گردید.<sup>۶</sup>

#### القاب دینی نمادین

لقب اسم خاصی است که به اعتبار معنی خود بیان‌کننده ستایش یا نکوهشی است.<sup>۷</sup> لقب‌ها وسیله‌ای برای تفاخر تکاثر افراد است. در صدر اسلام و در دوران خلفای راشدین لقب‌بخشی چندان اعتبار و اهمیت نداشت و معمولاً از کنیه و نسب به جای لقب استفاده می‌شد.<sup>۸</sup> معاویه جهت کسب مشروعیت دینی و سیاسی و تحقق پیروزی در تقابل با علی ﷺ از القاب به‌عنوان نماد تبلیغاتی بهره جست. لذا بر همسری خواهرش ام حبیبه<sup>۹</sup> با پیامبر ﷺ تکیه کرده و خود را با عنوان خال (دایی) المومنین در میان مسلمانان معرفی می‌نمود. زیرا این لقب، نمادی از منزلت مقدس نسب مشترک با پیامبر ﷺ بود. نمادی که در خود شرافت و عزت داشت و احترام مسلمانان را به‌دنبال می‌آورد. از سویی این لقب

۱. نصرین مزاحم، *پیکار صفین*، ص ۱۱۸.
۲. پیامبر ﷺ رقیه دختر خود را به عثمان تزویج کرد و وقتی رقیه مریم شد و در گذشت، پیامبر ﷺ دختر دیگر خود ام کلثوم را به او تزویج کرد که او نیز فوت کرد. (طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۲۳۲۰).
۳. جیش العسره اشاره به سپاهی است که پیامبر ﷺ در سال نهم هجری و برای غزوه تبوک، تجهیز کرد. (ابن اثیر، *تاریخ کامل*، ج ۷، ص ۳۳۷).
۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۷.
۵. واقدی، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن خلدون، *العبر*، ج ۱، ص ۴۳۱.
۶. ثقفی کوفی، *الغارات*، ص ۹۶؛ جعفریان، *تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا بر افتادن سفیانیان*، ص ۱۶۳.
۷. راشد محصل، «بررسی ساختاری و تاریخی القاب»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی عرفانی (گوهر گویا)*، ش ۳، ص ۲.
۸. همان، ص ۶.
۹. نامش رمله، پدرش ابوسفیان بن حرب بن امیه و مادرش صفیه دختر ابوالعاص بن امیه است که عمه عثمان بن عفان بوده و به نام ام‌حبیبه معروف بود. (واقدی، *الطبقات الکبری*، ج ۸، ص ۹۸)

در برابر نسبت علی علیه السلام به عنوان پسر عم و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح می‌شد تا برای معاویه نزد مردم وزانت، قداست و اعتباری معنوی فراهم کند. خاصه که ام‌حبیبه در زمان معاویه وفات یافت.<sup>۱</sup>

از جانب دیگر و در راستای بهره از نماد تبلیغات القاب دینی، خود را از نویسندگان وحی بر می‌شمرد. به نوشته ابن طباطبا: «معاویه اسلام اختیار کرد و در شمار کسانی که نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله وحی را می‌نوشتند به نوشتن وحی پرداخت».<sup>۲</sup> حال آن‌که او تنها چند نامه به روسای قبایل نوشت.<sup>۳</sup>

### نتیجه

حوادث و رخ دادهای تاریخی بدون وجود زمینه‌های مناسب امکان تحقق نمی‌یافتند. نبرد صفین یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ صدر اسلام بود که روند اتفاقات آتی را تغییر داد. معاویه که پس از قتل عثمان و بیعت مردم با علی علیه السلام از ولایت شام برکنار شده بود، توانست با تبلیغات اوضاع را به نفع خویش تغییر دهد. وی که از طلقا به‌شمار می‌رفت و فاقد هرگونه پیشینه و سابقه در اسلام و یاری دادن پیامبر صلی الله علیه و آله بود، با چالش‌های متعددی در مواجهه با علی علیه السلام مواجه بود. وی جهت دستیابی به اهدافش به استفاده از نمادها در تبلیغات خویش توسل جست. کارکردهای متنوع نمادها موجب استفاده آن در تبلیغات است. معاویه از نمادهای گفتاری، نوشتاری، ترسیمی و غیرکلامی که در میان مسلمانان یادآور وقایع دردناک و شرایط سخت بودند استفاده نمود.

بررسی منابع نشان می‌دهد وی از متون مقدس چون قرآن، روایات و احادیث و شعارهایی چون «لا حکم الا لله» به‌عنوان مهم‌ترین نمادهای دینی – گفتاری، همچنین از نمادهای کلامی و شعارهایی چون مظلومیت عثمان، خون‌خواهی از عثمان و لقب‌سازی برای وی، همچنین با نمایش نمادهایی چون اشیاء و آثار برجای مانده از عثمان مانند پیراهن، ریش خونین عثمان و انگشت بریده نائله همسرش، توانست القاء‌کننده مظلومیت عثمان و قتل مظلومانه وی باشد. و به این طریق با تغییر نگرش، باورها و ایجاد ذهنیت برای مشروعیت خویش زمینه‌های لازم را فراهم کند. وی خود را خون‌خواه برحق عثمان معرفی کرد و به این ترتیب مقدمات نبرد صفین مهیا شد. در طی جنگ نیز با استفاده نمادهایی چون کلام مقدس قرآن و شعار «لا حکم الا لله» به همراه پرچم سیاه بر بخشی از

۱. مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ص ۲۸۰.

۲. محققین اهل سیره برآنند که وحی را علی و زید بن ثابت و زید بن ارقم می‌نوشتند و حنظله بن ربیع تمیمی و معاویه بن ابی‌سفیان نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌نشستند و نامه‌های وی را به سلاطین و رؤسای قبایل و همچنین اموال صدقات که دریافت می‌شد و در میان صاحبان آن تقسیم می‌گردید و سایر نیازمندی‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله را می‌نوشتند. بنابراین کتابت وحی به‌وسیله معاویه امری مورد تردید است. (ابن طباطبا، *تاریخ فخری*، ص ۱۴۰)

۳. طقوش، *دولت امویان*، ص ۱۱.

مسلمانان تاثیر گذاشته و احساسات آنان را به سود اهداف خود برانگیزد. به این ترتیب معاویه ضمن ایجاد همبستگی و انسجام در جبهه خود موجب ایجاد تفرقه، تضاد و برهم خوردن انسجام سپاه عراق گردید و پایه‌های خلافت خویش را استوار ساخت.

## منابع و مأخذ

۱. **قرآن کریم.**
۲. آقابخشی، علی و با همکاری افشاری راد، مینو، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چ ۳، ۱۳۷۶.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، **تاریخ کامل**، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، ج ۸، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۴. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد، **الفتوح**، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۵. ابن العبری، غریغوریوس الملطی، **مختصر تاریخ الدول**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، ۱۳۷۷.
۶. ابن خلدون، عبد الرحمن، **العبر - تاریخ عمومی**، م. عبدالمحمد آیتی، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ ۱، ۱۳۶۳.
۷. ابن طباطبا، محمد بن علی، **تاریخ فخری**، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه نشر کتاب، چ ۲، ۱۳۶۰.
۸. ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم دینوری، **امامت و سیاست**، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰.
۹. ادگار، اندرو و سج ویک، پیت، **مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی**، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، آگه، ۱۳۸۷.
۱۰. آریان پور، منوچهر و همکاران، **فرهنگ انگلیسی به فارسی**، تهران، جهان رایانه، چ ۶، ۱۳۸۵.
۱۱. استوار، مجید، «بوردیو و جامعه‌شناسی نمادها»، **نشریه علوم سیاسی (فصلنامه تخصصی)**، سال دهم، ش ۲۶، ص ۲۵ - ۷، کرج، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، بهار ۱۳۹۳.
۱۲. تحصیلی، «روش‌های جنگ تبلیغاتی معاویه علیه امیرالمؤمنین»، **فصلنامه ژرفا**، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۹۱.



۱۳. ثقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، **خارات**، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۷۳.
۱۴. جعفریان، رسول، **تاریخ تحول دولت و خلافت از بر آمدن اسلام تا بر افتادن سفیانیان**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۳، ۱۳۸۰.
۱۵. حسینی دشتی، سید مصطفی، **معارف و معارف، دایره المعارف جامع اسلامی**، ج ۳، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹.
۱۶. دشتی، محمد، **ترجمه نهج البلاغه**، سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران، شهر ری، انتشارات بوستان قرآن، چ ۱، زمستان ۱۳۹۲.
۱۷. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، **اخبار الطوال**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ ۴، ۱۳۷۱.
۱۸. راشد محصل، محمدرضا، «بررسی ساختاری و تاریخی القاب»، **فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)**، ش ۳، ص ۲۱ - ۱، ۱۳۸۶.
۱۹. شعاری نژاد، علی اکبر، **فرهنگ علوم رفتاری**، تهران، انتشارات امیربیر، چ ۲، ۱۳۷۵.
۲۰. طاهری، صدرالدین، **نشانه‌شناسی کهن الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار**، تهران، شورآفرین، ۱۳۹۶.
۲۱. طبری. محمد بن جریر، **تاریخ الطبری - تاریخ الامم و الملوک**، مترجم ابو القاسم پاینده، ج ۸ - ۶، تهران، اساطیر، چ ۵، ۱۳۷۵.
۲۲. طقوش، محمد سهیل، **دولت امویان**، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۷، ۱۳۹۲.
۲۳. فرهمندپور، فهیمه، **تحلیل نیم قرن سیاست‌های تبلیغاتی امویان در شام**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۷۸.
۲۴. فولادی، محمد و مریم حسن‌پور، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر»، تحلیل جامعه‌شناختی»، **نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی فصل نامه علمی - تخصصی**، سال ششم، ش ۴، پیاپی ۲۴ ص ۱۵۲ - ۱۲۳، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، پاییز ۱۳۹۴.
۲۵. قلی‌زاده، فرض‌اله، **کلیات روانشناسی**، ج ۲، تبریز، انتشارات احرار، چ ۱، ۱۳۷۶.
۲۶. کوثری، مسعود، «نشانه‌شناسی رسانه‌های جمعی»، **فصلنامه رسانه**، سال نوزدهم، ش ۱، ش پیاپی ۷۳، ص ۳۸، بهار ۱۳۸۷.

۲۷. کوئن، بروس، **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی - رضا فاضل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۱۰، ۱۳۷۸.
۲۸. متولی، عبدالله، «اهمیت و جایگاه تبلیغات در منازعات عصر صفوی»، **فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران**، دانشگاه الزهراء، سال بیستم، دوره جدید ش ۸، پیاپی ۸۶، ص ۱۴۱، زمستان ۱۳۸۹.
۲۹. محسنیان‌راد، مهدی، **ارتباط‌شناسی**، تهران، سروش، ۱۳۸۴ (الف).
۳۰. محسنیان‌راد، مهدی، **ارتباط‌شناسی**، تهران، سروش، چ ۷، ۱۳۸۵ (ب).
۳۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۳۲. مقدسی، ابونصر بن مطهر بن طاهر، **آفرینش و تاریخ - البدء و التاریخ**، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۲، تهران، آگه، چ ۱، ۱۳۷۴.
۳۳. موریس، برایان، **مطالعات مردم‌شناختی دین**، ترجمه سید حسن شرف‌الدین و محمد فولادی، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۳.
۳۴. میرصدری، سیده سعیده و نصیری، منصور، «نمادگرایی دینی از نگاه پل تیلیش با تکیه بر نظام الهیاتی فلسفی وی»، **جستارهای فلسفه دین**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، ش ۱، ص ۴۴ - ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۳۵. نصر بن مزاحم منقری، ابوالفضل، **پیکار صفین**، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۰.
۳۶. نصر، سیدحسین، **هنر و معنویت اسلامی**، رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
۳۷. هالستی، کی جی، **تبلیغات و نقش آن در سیاست خارجی، تبلیغات و جنگ روانی**، حسین حسینی، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی، ۱۳۷۲.
۳۸. واقدی، محمد بن سعد کاتب، **الطبقات الکبری**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲ و ۸، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۳۹. یاسابورو، کووایاما، **علایم تجاری و نمادها**، مقصود نامدار، فرهنگان، تهران، ۱۳۷۱.
۴۰. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶، ۱۳۷۱.
41. Vaverka, martin, *Propaganda (The power of the mass media)*, 2009.